



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

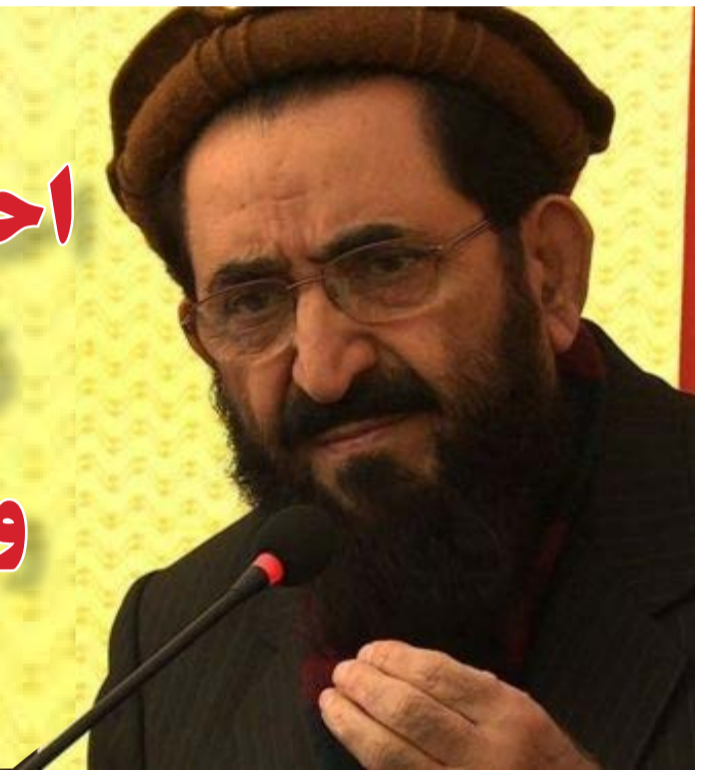
1515



عبدالحمید مجاهد:

احمدشاه مسعود قهرمان ملی و قابل احترام است

صفحه ۶



اعلام ماتم ملی پس از یک هفته

حنای پس از عید ارگ

صفحه ۶

نقش مردم در تطبیق برنامه ملی میثاق شهروندی

مردم باهمت ما همواره و در سخت ترین شرایط بخاطر آبادی کشور خویش دست به دست هم داده و تا جاییکه توان داشته اند در این راه سعی و تلاش ورزیده اند. چنانچه نمونه این جد و جهد صادقانه شان را در تطبیق پروژه های عام المنفعه انکشافی برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف مشاهده کردیم. مردم روستا های ما با یک میکانیزم منسجم و معیاری، شوراهای انکشافی شان را بر اساس انتخابات دموکراتیک، ایجاد کردند و اعضای آنرا با در نظر داشت صلاحیت، صداقت، وطندوستی و سایر خصلت های مردمی برگزیدند. شوراهای انکشافی قریه برنامه همبستگی ملی در طی مدت بیشتر از یک دهه کار فعالیت، توانستند به حیث نهاد های تصمیم گیرنده، ظهور یابند، با داشتن ترکیب زنانه و مردانه در بین مردم قریه ها پذیرفته شده و از خواستهای آنان نماینده گی کنند. این شوراهای باتوانایی ها و ظرفیت های ارزشمندی که در این مدت کسب کردند، یکنوع نقش رهبری را در قریه ایفا نمودند که به حیث بهترین نمونه های حکومت داری محلی می توان از آن یاد کرد. شوراهای انکشافی قریه های برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، توانستند این هویت را بخاطر تطبیق موفقانه هزاران پروژه عام المنفعه در روستا های سراسر کشور بدست بیاورند که البته در کنار تطبیق پروژه ها در حل منازعات نیز کارنامه های درخشانی در روستا های مربوط شان داشته اند. گذشته از آن سهم ده درصدی و بیشتر از آن که در تمویل یا اجرای کار عملی در پروژه ها میگرفتند، نقش مثبت آنرا در زمینه تطبیق برنامه نشان میداد.

اکنون که برنامه همبستگی ملی پایان یافته است، این نهاد های مردمی و سازنده (شوراهای انکشافی قریه) را من حیث یکی از دستاورد های بزرگ از خود به جا گذاشته است. شوراهای انکشافی که در حقیقت ممثل اراده مردم روستا هاست، در مسایل بازسازی، رهبری قریه، حل مشکلات اجتماعی، انکشاف و رشد اقتصادی قریه و غیره مسایل، از نقش مردم روستا های خویش نماینده گی میکنند. یعنی در هر کاریکه شوراهای انکشافی قریه دخیل باشند با اطمینان میتوان گفت که در واقع، مردم در آن کار دخیل اند و فیصله های شورا، همان فیصله های مردم است.

بخاطر اینکه انکشاف متوازن، زدایش فقر، بازسازی قریه ها و شهرها، بهبود معیشت، رشد اقتصادی جامعه و بسا مسایل مهم دیگر در کشور ما تداوم یافته و در عمل تطبیق گردد، با ختم برنامه همبستگی ملی، برنامه جامعتر و بزرگتر دیگری بنام «برنامه ملی میثاق شهروندی» از سوی دولت جمهوری اسلامی افغانستان اعلام شد. برنامه ملی میثاق شهروندی نیز مانند برنامه همبستگی ملی، دستاوردهای درخشان و سازنده یی خواهد داشت که زنده گی مردم کشور را از جهات مختلف به سوی رشد و بهبودی رهنمون گردد. این دستاورد های به یقین که بزرگتر، برجسته تر و نافع تر خواهد

بود، زیرا در برنامه مذکور علاوه بر انکشاف روستا های کشور، رشد و انکشاف اقتصادی، اجتماعی و اقتصادی شهر های کشور نیز شامل بوده و به ذات خود یک برنامه افغانستان شمول میباشد.

اما نکته مهم و قابل تأمل در این خصوص، همانا نقش مردم در تطبیق برنامه ملی میثاق شهروندی است. مردم در این برنامه نیز در چوکات شوراهای انکشافی شهری و روستایی، البته در ساختمان کلستر ها، نقش اساسی و سازنده شان را ایفا خواهند کرد. طوریکه میدانیم، برنامه ملی میثاق شهروندی یک برنامه بین الوزارتی و در کنار آن، یک تعهد دوجانبه میان دولت و مردم است و این خود بیانگر اهمیت نقش بزرگ و برجسته مردم کشور در یک مقیاس وسیعتر در برنامه میباشد که به آن خصوصیت مردمی و ملی میبخشد.

یقیناً که مردم ما با تکیه بر تجارب که از عملکرد های شوراهای انکشافی شان در بیشتر از یک دهه آموخته اند، میتوانند برنامه ملی میثاق شهروندی را نیز به سوی قله های موفقیت و پیروزی رهنمون شوند. مردم در برنامه همبستگی ملی آموختند که چگونه ظرفیت های شان را بالا ببرند، چگونه اتفاق، همبستگی و برادری را در عمل به کار گیرند، شفافیت و حسابدهی را به چه شیوه یی عملی سازند، در زمینه نظارت از نحوه کار در پروژه ها، حفظ و نگهداشت پروژه های شان و همچنان در رابطه با سهمگیری صادقانه شان در تطبیق پروژه ها، چطور عمل نمایند. آنها میدانند که پروژه ها ملکیت خود شان است زیرا با عرق ریزی و سهم شان به ثمر رسیده و بایست در حصه تطبیق، نظارت، شفافیت، حفاظت و تداوم آن، حد اکثر تلاش خویش را بنمایند.

یکی از کارهای اساسی مردم در برنامه ملی میثاق شهروندی، نظارت از اجراءات دولت (وزارت های ذیربط) و مسؤولیت پذیری در مورد حسابدهی از پولهایی که در پروژه ها هزینه میکنند، میباشد. یعنی اکنون مردم با داشتن نقش اساسی تر و صلاحیت و مسؤولیت بیشتر در برنامه میثاق شهروندی سهم میگیرند و ان شالله که دستاورد ها درخشانی را نیز در نتیجه عمل خویش، حاصل مینمایند. به سخن دیگر نظارت از اجراءات وزارت خانه های ذیربط، توسط شوراهای انکشافی یعنی مردم صورت میگیرد. چنانچه رئیس جمهور کشور خطاب به نماینده گان شوراهای انکشافی قریه، گفته اند:

«از هر پیمانه حساب بگیری اما از هر پیمانه از شما حساب گرفته میشود. دلیل این چیست؟ هر روز اتهام فساد است و اگر کوشش های حکومت وحدت ملی تان نمیبود که دنیا را قناعت بدهیم که ما واقعاً مقابل فساد نیت واراده و پلان مبارزه با فساد داریم، فکر میکردید که دنیا بالای یک برنامه یک میلیارد دلاری، با ما به موافقه میرسید؟ ازین جهت ما و شما همه در یک امتحان هستیم که شفافیت به صورت سرتاسری تأمین شود.»



احمد عمران

دموکراسی نیم‌بند با مدیرانی اقتدارگرا



که پیش از آن بوده اند، فرق می‌کنند. قدرت لذت، لذت‌ها را با خود دارد و کسی که یک بار طعم آن را می‌چشد، تا پایان عمر می‌خواهد که آن را داشته باشد. حتی در دموکراتیک‌ترین کشورهای جهان که زمام‌داران مجبور اند در پایان یک بازه زمانی قدرت را به دیگری تحویل دهند، باز می‌توان در سیمای‌شان عدم رضایت از تحویل قدرت را به وضوح مشاهده کرد.

در افغانستان اما وضع کاملاً فرق می‌کند؛ این کشور پس از دوره‌های متمادی، تازه الفبای دموکراسی را می‌آموزد و به همین دلیل، تا نهادینه شدن فرهنگ دموکراسی حتی در میان نخبه‌گان آن، راه درازی در پیش است. همین حالا مشکلات موجود میان ریاست جمهوری و ریاست اجرایی اگر به‌درستی واکاوی و جست‌وجو شود، بیش از آن‌که ریشه در اصول ارزشی داشته باشد، ریشه در خواست‌های شخصی افراد از سهم‌شان در قدرت دارد و به همین دلیل هم کارایی دولت در افغانستان همواره با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است.

امروز وقتی شماری از وزارت‌خانه‌های کشور توسط سرپرست‌ها اداره می‌شود، به معنای آن نیست که افراد باصلاحیتی که بتوانند از عهده مدیریت وزارت‌خانه‌ها بیرون شوند، در کشور وجود ندارند و به اصطلاح، افغانستان با قحط‌الرجال روبه‌روست. هر کشوری متناسب به شرایط و وضعیت خود، افرادی دارد که می‌توانند در رأس امور قرار داشته باشند. و یا وقتی گفته می‌شود که دادگاه عالی پس از دو ماه هنوز موفق به تفسیر یک ماده قانون نشده، به معنای آن نیست که قانون اساسی افغانستان چنان مغلق و پیچیده است که حتی دادگاه عالی از تفسیر و توجیه آن عاجز می‌باشد؛ بل مشکل جای دیگری است و آن، عبارت از تمامیت‌خواهی بی‌سست که در وجود مدیران کشور رخنه کرده و نمی‌گذارد که آن‌ها بیشتر از منافع خود را ببینند. این وضعیت بدون شک به بحران موجود در کشور بیشتر دامن می‌زند و از جانب دیگر، مانع می‌شود که واقعا مناسبات دموکراتیک در کشور شکل بگیرد.

آقای غنی به‌شدت دچار سوء‌ظن شده و به همین دلیل، حتی وزیران را نیز به نوعی برای خودش رقیب‌های در قدرت احساس می‌کند. این سوء‌تفاهم از آن‌جا ناشی می‌شود که انتخابات ریاست جمهوری به بحران رفت و نتیجه مشخص در پی نداشت و آقای غنی مجبور به تقسیم قدرت با رقیب انتخاباتی خود شد که به تشکیل دولت وحدت ملی انجامید؛ دولتی که از آغاز تشکیل، با مشکلات عدیده روبه‌رو بود و تا امروز، واقعیت آن از سوی نهاد ریاست‌جمهوری به صورت کامل به رسمیت شناخته نشده است

این دولت حتی نتواند که کابینه منسجم، محمل و کارا داشته باشد. از جانب دیگر، وضعیت موجود نشان می‌دهد که ریاست جمهوری کشور نیز چنان درگیر مشکلات کلان‌تر از کابینه و وزیران شده که برای آن فرقی ندارد که وزرات‌خانه‌ها از سوی سرپرستان اداره می‌شوند و یا وزیران برحال. از طرف دیگر، در وضعیت بحران اداری‌یی که دولت وحدت ملی با آن دست به گریبان است، چنین به نظر می‌رسد که رییس جمهوری خوش‌تر می‌دارد که همه کارهای کشور را به تنهایی خودش انجام دهد و نه نهاد دیگری.

آقای غنی به‌شدت دچار سوء‌ظن شده و به همین دلیل، حتی وزیران را نیز به نوعی برای خودش رقیب‌های در قدرت احساس می‌کند. این سوء‌تفاهم از آن‌جا ناشی می‌شود که انتخابات ریاست جمهوری به بحران رفت و نتیجه مشخص در پی نداشت و آقای غنی مجبور به تقسیم قدرت با رقیب انتخاباتی خود شد که به تشکیل دولت وحدت ملی انجامید؛ دولتی که از آغاز تشکیل، با مشکلات عدیده روبه‌رو بود و تا امروز، واقعیت آن از سوی نهاد ریاست‌جمهوری به صورت کامل به رسمیت شناخته نشده است.

در زمانی که کشور دچار بحران‌های بزرگ امنیتی، اقتصادی و سیاسی است، آقای غنی به این می‌اندیشد که چگونه می‌تواند کل قدرت سیاسی را به تصاحب خود درآورد. البته در این راستا همواره نیز به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و به جای حظ از قدرت، تلخی‌های آن را تجربه می‌کند. در این جای شک نیست که زمام‌داران وقتی به قدرت می‌رسند، با آن چیزی

رسانه‌ها گزارش کرده‌اند که هنوز دادگاه عالی موفق به تفسیر ماده ۹۲ قانون اساسی نشده که بر مبنای آن، هفت وزیر کابینه دولت وحدت ملی، دو ماه پیش از سوی مجلس نماینده‌گان سلب صلاحیت شدند. دو ماه پیش، مجلس نماینده‌گان وزیران را که موفق به مصرف ۷۰ درصد بودجه‌های توسعه‌ی خود نشده بودند، استیضاح و هفت تن از آن‌ها را سلب صلاحیت کرد. سلب‌صلاحیت وزیران واکنش‌های متعددی را برانگیخت و ریاست جمهوری سرنوشت وزیران سلب صلاحیت شده را به دادگاه عالی کشور سپرد تا با تفسیر ماده ۹۲ قانون اساسی در مورد سلب صلاحیت وزیران، وضعیت وزیران سلب صلاحیت شده را مشخص سازد. اما حالا که دو ماه از این مسئله گذشته، دادگاه عالی همچنان مصروف تفسیر ماده ۹۲ است و به نظر می‌رسد که به هیچ نتیجه قطعی و قابل پذیرشی که بتواند آن را اعلام کند، نرسیده است. پیش از این، برخی نماینده‌گان مجلس گفته بودند که دادگاه عالی فیصله آن‌ها را در مورد وزیران سلب صلاحیت شده، تأیید کرده است. گمان می‌رود که مشکل وزیران سلب صلاحیت شده، بیشتر از آن‌که قانونی باشد، سیاسی شده است و به همین دلیل، دادگاه عالی به‌ساده‌گی نمی‌خواهد خود را درگیر جنجالی بسازد که به‌صورت مستقیم به کار و فعالیت این نهاد ربطی ندارد.

بدون شک ادامه چنین وضعیتی، به سود دولت وحدت ملی نمی‌تواند تمام شود و روزی باید به آن نقطه پایان بگذارد؛ اما این‌که چنین موعدی چه زمانی فرا خواهد رسید، هنوز مشخص نیست. شاید تا پایان عمر دولت وحدت ملی که کمتر از سه سال آینده خواهد بود،

سخن‌ماندگار

یک گام به سوی اعتمادسازی میان ارگ و مردم

حکیم مجاهد، یکی از اعضای ارشد شورای عالی صلح که اظهاراتش توهین به قهرمان ملی کشور، تقدیس طالبان و افترا در حق شهید صلح کشور تعبیر شده بود، با واکنش‌های سختی مواجه شد و در نهایت، این واکنش‌ها به برکناری او از جانب ریاست‌جمهوری منجر شد. برکناری این مقام شورای عالی صلح که در گذشته برای ملاعمر مجلس فاتحه‌خوانی ترتیب داده بود و اکنون هم سخنانش حمایت از طالبان معنا شده، در کنار این‌که واکنش بسیاری از مقامات دولتی، سیاسیون کشور، نهادها و رسانه‌ها را برانگیخته، رهبران دولت وحدت ملی را نیز به انزجار واداشته؛ چنان‌که برکناری او، نمود آشکار این بی‌زاری است.

اظهاراتی که از آقای مجاهد در رسانه‌ها بازتاب یافت، در واقع توانست زنگ خطری را برای تمام نظام به صدا درآورد؛ به‌خصوص هنگامی که طالبان هفتاد نفر را طی عملیات‌هایی در کابل و قندهار به شهادت رسانده بودند. اما حالا برکناری او از طرف ارگ ریاست‌جمهوری و دولت وحدت ملی، مورد حمایت بسیاری از جریان‌ها و سیاست‌مداران قرار گرفته است. در واقع ارگ با این اقدام توانسته یک قدم در مسیر شنیدن صدای مردم و اعتراض‌های جمعی بردارد؛ اما پرسش اساسی این‌جاست که چرا همواره چنین حرکت‌هایی از جانب برخی حلقه‌های وابسته به حکومت صورت می‌گیرد؟ چنان‌که چندی پیش، قیوم کوچی کاکای رییس جمهوری نیز در چندین صحبت، از طالبان حمایت کرد و آنان را برتر و مهم‌تر از نیروهای امنیتی دانست، در حالی که او سفیر فوق‌العاده کشور در روسیه هم می‌باشد!

روزنامه ماندگار دو روز پیش در پیوند به اظهارات آن عضو پیشین شورای عالی صلح، نوشت که "این اظهارات ریشه در راهبردی دارد که احتمالاً مورد حمایت ارگ نیز می‌باشد. اما در صورتی که چنین نیست و رییس‌جمهور با اظهارات کاکایش و نیز با اظهارات معاون شورای عالی صلح موافق و هم‌صدا نیست، باید بلافاصله هر دو مقام را از سمت‌های‌شان برکنار کند. زیرا اظهارات این دو مقام، در واقع دشمنی با نیروهای امنیتی ما و مردم افغانستان است که همه‌روزه خون می‌دهند و جان می‌بازند تا کشور را از شر پاکستان محفوظ نگه بدارند. همچنین هر توهینی که از طرف این چهره‌ها نسبت به قهرمان ملی کشور که سد محکمی در برابر هجوم پاکستان شد و نیز سربازان شجاع و قهرمان‌مان که اکنون در برابر طالبان می‌جنگند، صورت می‌گیرد؛ فقط به اشاره پاکستان و دشمنان این وطن قابل تعبیر و محاسبه است. مردم افغانستان همواره انتظار دارند که آقای غنی، به عنوان رییس‌جمهور کشور، قاطعانه در این باره واکنش نشان دهد." اما اکنون هرچند بحث‌ها و مسایل زیادی در سطح جامعه وجود دارد که می‌تواند ریاست‌جمهوری درباره آن‌ها اعلام موضع کرده و پآکی و بی‌گناهی خود را به اثبات برساند؛ جای بسیار خرسندی‌ست که حداقل ریاست‌جمهوری در مورد اظهارات آقای مجاهد واکنش نشان داده و سرانجام او را از سمتش برکنار کرده است. باید این واکنش، مقدمه‌یی برای اعتمادسازی میان حکومت و مردم باشد.

مسئلاً برکناری آقای مجاهد از سمتش می‌تواند درس عبرتی باشد برای آن عده از اشخاصی که همیشه سعی می‌کنند بر حقایق پا بگذارند و خون‌های ریخته‌شده را نادیده بگیرند و در راستای علایق قومی و منافع استخباراتی عمل کنند. اعلامیه ارگ و برکناری آقای مجاهد، اگرچه گامی مثبت در برابر اظهارات منفی عضو شورای عالی صلح تلقی می‌شود؛ اما برای رسیدن به وضعیت مطلوب، سزاوار است که قیوم کوچی کاکای رییس‌جمهور غنی نیز به دلیل اظهارات نادرستش مورد پیگرد قانونی قرار گیرد تا دیگر هیچ شخصی در درون نظام جرأت نکند به ارزش‌های جهادی و ملی مردم افغانستان اهانت کند و گروه‌های تبه‌کار و جنایت‌پیشه را فرشته بخواند. انتظار این است که همه کسانی که بنا بر بعضی مصالح و ملاحظاتی در این نظام روزی می‌خورند، با گذشته خویش وداع بگویند و برای امروز و آینده کشور کار کنند، تا هم وحدت ملی و هم ثبات سیاسی به معنای واقعی کلمه شکل بگیرد.

مسوولان رادیو تلویزیون ملی و آژانس باختر:

مستقل نیستیم و رسیده گی به مشکلات ما نیز برای حکومت قصه مفت بوده است!

بنیاد فرهنگ و جامعه مدنی دیروز (یکشنبه، ۲۶ جدی) نشستی را در تالار رادیو تلویزیون ملی زیر عنوان "پیگیری تعهدات حکومت وحدت ملی پیرامون معیاری سازی رادیو تلویزیون و آژانس اطلاعاتی باختر" راه اندازی کرده بود.

در این نشست که در آن ده ها تن از فعالان رسانه ای و مدنی اشتراک کرده بودند، چالش های دو رسانه آژانس باختر و رادیو تلویزیون ملی - و عملی شدن تعهدات رییس جمهور در قبال آن ها به بررسی گرفته شد.

محمد زرین انزور، رییس رادیو تلویزیون ملی در این نشست از مداخله مقامات حکومتی در نشرات این شبکه خبر داد و همچنان گفت که آنان از نبود بودجه کافی برای

هیچ آگاهی نمی یابند. معاون آژانس اطلاعاتی باختر با اشاره به این که تجهیزات لازم برای خبرنگاران شان به دست ندارند، اظهار داشت: ما تنها خواست مادی نداریم، ما به حمایت های معنوی حکومت نیز نیازمند هستیم، رییس جمهور و یا هیچ یک از مقاماتش تا هنوز از ما دیدن نکرده اند.

بانو نبردآئین می گوید که با خلای اطلاعاتی قرار دارند و حکومت در قسمت اطلاع دهی به آنان خیلی کوتاهی می کند، به گونه ای که وقتی خبر کهنه می شود، بعد آنان خبر می شوند.

او تصریح می کند: "فعالیت های ما برای حکومتیان بی ارزش است. وقتی حکومتیان به مشکلات مردم رسیده گی نمی کنند، وقتی مردم در



عملی کردن برنامه های شان رنج می برند.

از سویی هم، معاون آژانس اطلاعاتی باختر باور دارد که این آژانس با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می کند، اما حکومت به این چالش ها به دیده "قصه مفت" می نگرد.

ماری نبردآئین، معاون آژانس اطلاعاتی باختر در این برنامه گفت: آرشیف آژانس باختر خیلی کهنه است و ما نگرانیم که اگر داشته های ما در این رسانه از میان برود، در واقع قسمتی از تاریخ افغانستان از بین رفته است.

بانو نبردآئین با بیان این که بارها از حکومت در قسمت رسیده گی به مشکلات تقاضای کمک کرده ایم، افزود: "رسیده گی به مشکلات ما همواره برای حکومت قصه مفت بوده است."

او گفت: مقامات حکومتی میلیون ها دالر را صرف نبرد با دشمن می کنند، اما بازده دستاوردهای شان برای مردم خیلی کم است، زیرا حکومت به رسانه خود بی توجه است و مردم از دست آوردهای آنان

زیر خیمه ها می میرند، ما چگونه می توانیم از آن چشم پوشی کنیم؟"

معاون آژانس باختر از رییس جمهور و تیم رسانه ای و مشاورینش انتقاد می کند و اذعان می دارد که استقلال مسلکی ندارد، این در حالی است که حکومتیان توقع دارند تا خبر نخست و عکس اول در روزنامه و سایت و تلویزیون از آنان باشد.

در سویی دیگر، محمد زرین انزور، رییس رادیو تلویزیون ملی در این نشست گفت: حکومت در زمان کارزارهای انتخاباتی تعهدات فراوانی به رسانه های افغانستان سپرده است، اما تا هنوز به تمام آن تعهدات رسیده گی صورت نگرفته است.

آقای انزور بیان داشت که در حدود ۴۵ تا ۵۰ هزار ساعت آرشیف از رادیو افغانستان دارند و در حدود ۱۵ هزار آرشیف از تلویزیون ملی که در راستای حفظ و نگهداری و همچنان دیجیتال شدن آن هیچ کاری از سوی حکومت صورت نگرفته است.

رییس رادیو تلویزیون ملی با اشاره به این که جهان به سرعت در حال تکنولوژی شدن است، اما افغانستان از این تحولات عظیم بی خبر،

افزود: ما برنامه های زیادی برای بهتر شدن کیفیت و کمیت نشرات رادیو تلویزیون ملی روی دست داریم که نیازمند بودجه کافی است و ما این بودجه را نداریم.

او گفت: ما همه ساله خبرنگاران بسیار خوب مان را به دلیل کم بودن بودجه از دست می دهیم که این کار ما را با کمبود کدر مواجه ساخته است.

محمد زرین انزور، از مداخله مقامات حکومتی در قسمت نشرات این رسانه خبر داده خاطر نشان ساخت: "گاهی اوقات از ما خواسته می شود تا مواردی را به خورد مردم بدهیم که خلاف موازین رسانه های همه گانی است، اما تلاش داریم تا فشارهای این مقامات را از راه گفت و گو و تفاهم حل کنیم."

حکومتی بودن محض رادیو تلویزیون و نداشتن برنامه های انتقادی از حکومتی، چالش های دیگر این رادیو تلویزیون است که آقای انزور روی آن انگشت می گذارد.

همزمان با این، دکتر کمال سادات، معاون جوانان و سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ در این برنامه گفت: رییس جمهور تعهداتی را که در زمان کارزارهای انتخاباتی سپرده بود، قدم به قدم در حال عملی کردن است.

آقای سادات در ادامه افزود: در همین راستا، حکومت با همکاری وزارت اطلاعات و فرهنگ، تعهدات رییس جمهور در پیوند به رادیو تلویزیون ملی و آژانس باختر به جدیت تعقیب کرده و می کند.

سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ با اشاره به این که برای بهتر شدن کیفیت آژانس باختر و رادیو تلویزیون ملی وسایل و امکانات پیشرفته در نظر گرفته اند، بیان داشت: در قسمت رسانه های چاپی برنامه های خوبی در نظر دارند که در آینده عملی خواند شد.

به گفته آقای سادات: "وزارت اطلاعات و فرهنگ در ۲۰۶ اداره حکومتی پایگاه معلوماتی برای آرایه معلومات برای شهروندان و رسانه ها ایجاد کرده است. در ولایت ها نیز کمیسیون می سازیم و بعد از آن، اداره های اطلاع دهی ایجاد می گردد."

آقای کمال سادات با بیان این که آنان قرار است برای قانونی ساختن استفاده از رسانه های اجتماعی قانون کار را آغاز کنند، می افزاید که در کمیسیون رسیده گی به شکایات نیز تغییرات به وجود خواهد آمد.

نخستین برنامه رادیویی افغانستان توسط رادیو کابل در سال ۱۳۰۷ در زمان امان الله شاه پخش شد. اما تلویزیون در پایان حکومت سردار داوود در سال ۱۳۵۷ به میان آمد.

بر اساس ماده ۱۳ قانون رسانه های همه گانی، رادیو تلویزیون ملی افغانستان متعلق به مردم افغانستان، به عنوان ریاست مستقل، در چوکات قوه اجرایی و بودجه آن از سوی حکومت، اعلانات و خدمات تعیین می گردد.

هشدار مسکو به کابل:

اظهارات کوچی پاسخ مناسب در پی دارد



ندارند زبان خود را بنویسند. این همه باعث واکنش شدید مقامات تاجیکستان و روسیه شد. علاوه بر روسیه تاجیکستان نیز این اظهارات را غیر قابل قبول خواندند و خواستار جوابگویی رسمی از وزارت خارجه افغانستان شدند.

ضمیر کابلوف نیز تاکید کرده که همه اظهارات قیوم کوچی کاملاً بی اساس است.

به گفته نماینده رییس جمهور روسیه در امور افغانستان، تاجیکستان همکار راهبردی روسیه است و توهین به دوشنبه، توهین به مسکو است.

کابلوف در عین حال هشدار داده که اظهارات توهین آمیز و بی اساس، پاسخ مناسب را هم در پی خواهد داشت.

ضمیر کابلوف نماینده رییس جمهور روسیه در امور افغانستان به سخنان اخیر سفیر افغانستان در مسکو واکنش نشان داده و گفته است که این اظهارات توهین آمیز است.

قیوم کوچی سفیر افغانستان در روسیه که کاکای اشرف غنی نیز می شود، چندی قبل، تاجیکستان را متهم به دست داشتن در تهیه مواد مخدر افغانستان کرده بود.

قیوم کوچی همچنین خطاب به چند مقام روسی گفته بود: مواد مخدر در افغانستان کشت می شود و لی پشت آن روس ها و مافیای تاجیکستان هستند.

کاکای اشرف غنی در سخنانی که همه او را توهین آمیز خوانده اند افزوده که تاجیکستان کشوری بسیار کوچک است و فرهنگ و زبان رسمی شان روسی است و حق

اعضای مجلس سنا:

پروسه صلح با طالبان متوقف شود



باید به نیروهای امنیتی کشور دستور دهد تا هیچ فردی از این گروه را در میدانهای جنگ زنده بازداشت نکنند و درجا آنان را از بین ببرند.

به گفته وی، تا زمانی که دولت افغانستان در برابر طالبان با قدرت تمام عمل نکند، این گروه به صلح حاضر نخواهد شد.

در همین حال، برخی از سناتوران دیگر نیز با آن که روند صلح را یک ضرور می دانند اما تاکید دارند که دولت افغانستان باید از موضع قدرت روند صلح را به پیش ببرد.

فضل هادی مسلم یار رییس مجلس سنا نیز در این خصوص گفت که صلح یک ضرور است ولی دولت افغانستان باید از درجه قدرت وارد گفت و گوهای صلح شود.

آقای مسلم یار تاکید ورزید که دولت افغانستان همزمان با روند صلح باید از مردم افغانستان نیز دفاع کرده و با دشمنان مردم با جدیت برخورد کند.

سناتوران همچنین وضعیت امنیتی کشور را نگران کننده خوانده تاکید دارند که در این راستا باید عملیات زمستانی نیروهای امنیتی تشدید باید تا در بهار آینده بتوانند جنگ های احتمالی را در کشور مهار کنند.

برخی از سناتوران، پس از حملات انتحاری و انفجاری در کابل، قندهار و هلمند می گویند که روند صلح با طالبان باید متوقف گردد و هزینه این روند در تقویت نیروهای امنیتی مصرف شود.

سناتوران پس از حملات مرگبار اخیر انتحاری و انفجاری در کشور می گویند که دولت افغانستان باید با قوت تمام در برابر دهشت افگنی در کشور عمل کرده و به نیروهای امنیتی دستور دهد که هیچ هراس افگنی را بازداشت نکند و در جا از بین ببرند.

رونا ترین یک عضو مجلس سنا در این خصوص گفت: "ما تا چه وقت بر روند صلح در کشور تاکید کنیم و طالبان به شکل بی رحمانه مردم را بکشند؟ دیگر دروازه صلح باید از سوی دولت بسته شود و هزینه شورای عالی صلح برای تقویت نیروهای امنیتی مصرف گردد."

خانم ترین افزود که روند صلح از سوی دشمنان افغانستان به بازی گرفته می شود و از این روند تنها برای مصروف ساختن دولت افغانستان کار می گیرند.

خانم ترین همچنین خاطر نشان کرد که دولت افغانستان در پاسخ به حملات انتحاری و انفجاری طالبان،

از بنیادگرایی تا تروریسم

عبدالمناز دهراد

در این بازی، طبیعی است چیزی که از عالمان دینی توقع برده می‌شد و آن به درد سیاست و قدرت می‌خورد، «فقه» بود. بخش کثیری از فقیهان ما، تبعیت نکردن و سرکشی نمودن مردم در برابر پادشاه و زمامداری که حتما ظالم هم باشد را جرم سنگین و نابخشودنی دانسته و مجازات‌های سنگینی را برای گروه‌هایی که در فکر براندازی حکومت‌ها هستند، پیش‌بینی کرده‌اند. این عالمان تا جایی به درد حاکمان می‌خوردند که سراپا در خدمت آن‌ها می‌بودند، چیزی کمتر از آن مایه مرگ و رانده شدن آن‌ها از دربار می‌شد. نمونه‌های بسیاری از این دست را ما در تاریخ معاصر افغانستان داشته‌ایم. روشن شدن چراغ این دسته از عالمان دینی و تأکید بر این دسته و برجسته کردن یک بُعد دین‌داری، راه را برای ابعاد و رگه‌های دیگر معرفت دینی مثل منطق، فلسفه و عرفان و در کل معرفت‌شناسی دینی بسته بستند. شدن این‌ها در یک جامعه دینی، راه را به بنیادگرایی و تروریسم هموار می‌کند. وقتی دروازه خرد به روی یک جامعه بسته شد، جزم‌گرایی و خشک‌اندیشی از راه دیگری وارد جامعه می‌شود. جامعه‌هایی که امروز شاهد شکل‌گیری بنیادگرایی و تروریسم‌اند، دقیقاً چنین سرنوشت و راهی را طی کرده‌اند.

اندیشمندان و پژوهش‌گران حوزه سیاست باورمندند که دولت‌هایی که در مسیر سیاست‌ها، توطیه‌ها و دسایس سازمان‌ها و قدرت‌های بزرگ جهان قربانی می‌شوند، یا از هیچ‌گونه پشتوانه مردمی برخوردار نبوده و کشور را به دو جناح متمایز حاکم و محکوم مبدل کرده‌اند و یا همواره سعی کرده‌اند که به هر ترتیب ممکن، شهروندان کشور را تحت انقیاد و برده‌گی سیاسی خود درآورند (رعیت‌محوری)؛ تجربه تلخی که سرنوشت مردم این مرز و بوم به آن گره خورده است. نگاه «رعیت‌محوری» مشروعیّت را نیز از دانش‌های کلاسیک دینی می‌گیرد؛ چون هنوز بنیادگرایان انسان را حیوانی مکلف تعریف می‌کنند. این‌ها زمینه را طوری مساعد ساختند که از یک‌طرف دستان بیگانه‌گان در امور این کشور باز باشد و هر گاهی که خواسته باشند در میان مردم جای باز نمایند، همچنان حس بیگانه‌گرایی زمامداران کشور ما، بخشی از شهروندان کشور را واداشت که برای سوار شدن بر مرکب قدرت باید دست به دامن قدرت‌ها و استخبارات بیرونی بزنند تا روزی نوبت آن‌ها هم برسد (این وضعیت بیشتر در میان بازیگران یک قبیله موضوعیت دارد تا همه شهروندان افغانستان).

طبیعی است که وقتی دستان گروه‌های بیرونی در امور یک کشور باز باشد، برای نیل به اهدافشان از این وضعیت استفاده می‌برند. بدون شک یکی از ارزان‌ترین وسیله‌ها برای بیگانه‌گان، «تندروی

دینی» است. تندروی دینی نه تنها برای استخبارات کشورهای اسلامی، ابزاری ساده و لقمه‌ی آماده است، که حتی برای استخبارات کشورهای غیراسلامی نیز وسیله‌ی ارزان و پیش پا افتاده تلقی می‌شود. آن‌ها از این طریق به کلان‌ترین کارهای سیاسی و استخباراتی‌شان دست یافته‌اند.

به هر تقدیر، این نیشته تأکید می‌کند که فرجام بنیادگرایی روزی به تروریسم منتهی می‌شود، با توجه به این دید که هر بنیادگرا را نمی‌شود همراه و مدافع بالفعل تروریسم نامید (آدم‌های بسیاری را می‌توان دید که از عینک یک بنیادگرا به جهان بیرون می‌بینند ولی وقتی که در یک کیلومتری خانه‌شان انفجار و حمله انتحاری صورت می‌گیرد، آن را غیرانسانی خوانده و تکیه می‌کنند)؛ ولی بدون تردید هر تروریست را می‌توان بنیادگرا نامید. قطعاً روزی تروریستان در خوان بنیادگرایی نان و نمک شده و از آن کوچه گذر کرده‌اند. نمونه و شواهد بسیاری وجود دارد که دال بر این مدعا باشد؛ سرازیر شدن هزاران جوان مسلمان از مغرب‌زمین به خاورمیانه و پیوستن آنان به صفوف گروه‌های رادیکال تندرو (القاعده، داعش و...) یکی از ده‌ها نمونه آن است.

چستی بنیادگرایی
بنیادگرایی ریشه در واژه لاتینی (fundamentum) دارد که به معنای شالوده و اساس است. واژه بنیادگرایی بحث‌برانگیزترین واژه در ادبیات سیاسی جهان به‌شمار می‌رود. از نگاه عدّه زیادی، این واژه به معنای «سرکوب و عدم تساهل بوده و دشمن ارزش‌های لیبرالیستی و آزادی‌های شخصی تلقی شده است» و شماری از نظریه‌پردازان حوزه سیاست، بنیادگرایی را شورش علیه جامعه سکولار یا دنیادگرایی دانسته‌اند. (اندرهی وود، ۱۳۸۷: ۴۹۵)

در کل، بنیادگرایی به حرکتی اطلاق می‌شود که متوجه تاریخ‌مند شدن زنده‌گی انسان‌ها و ارزش‌های مرتبط به آن نیست. بنیادگرایان به صورت مطلق، تاریخ و بازیگران تاریخ در جهان را نه جدی گرفته‌اند، نه مطلوب و نه در خور تقدیر. آن‌ها همیشه دل‌زده جهان کنونی و مدرن بوده و در صدد بازگشت به روزگار گذشته‌اند؛ روزگاری که نقل بر عقل، تکلیف بر حق و رعیت بر شهروند حکمروایی می‌کرد؛ روزگاری که به قول کانت «حدود فاهمه بشری به حدود ناطقه بشری می‌چربید». از این رو آن‌ها تاب تحمل دگرگونی‌های بنیادینی که هم در فکر آدمیان و هم در رفتار و گفتار آدمیان اتفاق افتیده است را نداشته و آن را به دیده تحقیر و نفرت می‌بینند. به همین دلیل، جنبش‌های بنیادگرا در هر گوشه جهان که یک حکومت مدرن و مردم‌گرا تأسیس شده و حقوق آدمی را محترم و مغتنم شمرده و به آن ارج قایل شده است، دست به

اعتراض زده و آن را نافی ارزش‌های دینی در جامعه پنداشته‌اند. پدیده بنیادگرایی در هر جای جهان که شکل گرفته، چیزی را کمتر از ظاهر متن به رسمیت نشناخته است. بنیادگرایان با قرائت‌های برخاسته از متن مخالف بوده و اگر جایی هم آن را به رسمیت بشناسند، فراتر از برداشت مورد پسند خودشان نیست. خاستگاه اصلی بنیادگرایان را ایالات متحده آمریکا و غرب دانسته‌اند. نخستین بار گروهی در آمریکا سر برآورد که دارای اعتقادات جزمی بود و آرایش بر تفسیر کلمه به کلمه انجیل استوار بود. به همین وصف، عده‌ی بنیادگرایی را نوعی رویکرد متحجر در دین مسیحیت به حساب می‌آورند؛ زیرا بعد از انقلاب فرانسه بنیادگرایی واکنشی بود در برابر گرایش نوگرایانه غربی که آموزه‌های مسیحی را دچار دگرگونی کرده و به چالش فرا می‌خواند (احمدپاکتچی ۱۳۸۷: ۳۴۱).

روشن است که فرهنگ‌ها همیشه در دوره‌های گوناگون تاریخ بشر، مشاجره‌برانگیز بوده‌اند و بنیادگرایان در درجه اول نگران حفظ جامعه خودشان از منظر اعتقادی و فرهنگی می‌باشند. بحثی که «بنیادگرایان در ایالات متحده آمریکا به‌ویژه شاخه پروتستان داشتند، این بود که آمریکا واقعاً یک ملت مسیحی باشد و سازوکارهای مدیریت سیاسی بر مبنای این باور باید شکل بگیرد؛ نه یک ملت سکولار، کثرت‌گرا و یا جمهوری (هی‌وود: ۴۹۷) ولی نگرانی بنیادگرایان در مغرب‌زمین، راه به جایی نبرد و به منصفه اجرا در نیامد و هیچ‌گاهی برخلاف شماری از کشورهای حوزه زنده‌گی ما، نتوانستند به مفاهیم ذهنی خویش جامعه عمل ببوشانند. عملی کردن این مفاهیم، آدمی را به نفرت و انزجار از دیگر ارزش‌ها و حامیان آن می‌کشاند که بر ایند آن، بیرون کردن سر از گریبان تروریسم است؛ نمونه‌ی که امروز در کشور ما و شماری از سرزمین‌های اسلامی به چشم می‌خورد.

اگر بنیادگرایی در یک جامعه حیثیت «قوه» را داشته باشد، تروریسم و دهشت‌افکنی «فعلیت یافتن» این قوه به شمار می‌رود. این‌که چرا این «قوه» در شماری کشورها شانس تبدیل شدن به «فعل» را نداشته و بسترهای اجتماعی - سیاسی دارد. در کشور ما به دلیل مساعد بودن زمینه و بسترهای مساعد سیاسی، نظامی، فکری، جغرافیایی و... بنیادگرایی به‌ساده‌گی راه خویش را طی نموده و به کاروان تروریسم می‌پیوندد. شکی نیست که بنیادگرایی در این سرزمین‌ها به‌ساده‌گی تبدیل به تروریسم نمی‌شود، دستگاه‌های استخباراتی منطقه و جهان و دستان جادوگر سیاست‌مداران جهان دست به دست هم داده و راه ورود این پدیده را به جاده تروریسم و دهشت‌افکنی هموار می‌کنند.

بخش چهارم



تعریف سیاست

محمد مجید عبدالملی

۳) ارسطو: ارسطو شاگرد افلاطون است و سیاست را مساوی با ایجاد اعتدال می‌داند. ارسطو مردم را به سه قسمت تقسیم کرده؛ اغنیا، توده مردم، طبقه متوسط که معتدل‌ترین مردم هستند. به عقیده ارسطو، اساس دولت در طبیعت انسان است و دولت برای تأمین نیازهای انسان است که اولین نیاز جسمانی است که سبب پیدایش خانواده شد. ارسطو استقلال نهاد خانواده را ضروری می‌داند. به عقیده وی، قانون و عدالت در قالب دولت، مردم را به هم پیوند می‌دهد.

۴) اکویناس: توماس اکویناس پس از گذشت حدود هشت قرن بعد از ارسطو، حکومت را به مثابه یک کشتی که ناخدای آن مذهب و روحانیون هستند، می‌داند و می‌گوید: «حکومت کردن به معنی هدایت کشتی است و ماهیت حکومت را از همین شباهتی که میان دو کلمه هست، باید فهمید... و به همین دلیل حکمران‌های دینوی، پاسدار مقاصد فرعی زنده‌گی فردی و اجتماعی انسان‌اند.»

ماکیاویل: او از نویسندگان معاصر غرب است. اندیشه سیاسی او حذف دین و اخلاق از گردونه سیاست است. وی ضمن انکار قانون الهی کاملاً تفکر عادی سیاسی دارد و هدف زنده‌گی را رفاه و لذایذ مادی می‌داند. ماکیاویل اصل را در حکومت قدرت می‌داند و ابزار لازم قدرت را یادآور می‌شود؛ گرچه معتقد است که معلوم نیست انسان صاحب فضیلت از این ابزار استفاده کند. وی حکومت جمهوری را بر حکومت سلطان (سلطنتی) ترجیح می‌دهد.

۵) ژان برن: نخستین کسی که تعریف علمی از حکومت ارائه می‌کند. او می‌گوید اگر در حکومت مردم سهم باشند، دموکراسی، اگر عده‌ی حکومت کنند، اشرافی و اگر یک فرد حکومت کند، سلطنتی است. ژان برن حاکمی که خداترس دوراندیش، دل‌سوز، عاقل و معتدل و عادل و مقتدر باشد را تا وقتی که با عدالت حکومت می‌کند را حکومت برحق می‌داند؛ گرچه این حاکمیت را از طریق موروثی و کودتا و یا از راه قانون به دست آورده باشد. برتراند راسل فیلسوف نامدار فرانسوی می‌گوید: قدرت را می‌توان به عنوان پدید آوردن آثار مطلوب تعریف کرد. واژه مطلوب به معنی طلب کرده شده و خواسته شده مورد نظر است و نه به معنی دل‌پسند و یا خوش آیند.

تعریف سیاست بین‌الملل، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل

در مورد اصطلاحات مزبور تعریف‌های گوناگونی وجود دارند، اما در مورد این‌که مناسب‌ترین تعریف‌ها کدام‌اند و یا تمایزات میان آن‌ها کجا قرار دارند، توافق اندک است. این فقدان اجماع بی‌تردید به مسأله طرح‌های نظم‌بخشنده مربوط می‌شود. چه‌گونه‌گی تعریف این اصطلاحات عمدتاً متأثر از چیزی است که بررسی‌کننده در پی آن است و آنچه که وی مورد بررسی قرار می‌دهد، تا اندازه زیاد نیز تابع برداشت، مدل یا نظریه ویژه اوست.



«فرومیر، آی، ای شمعک، فرومیر، آی، که نباشد زنده گانی هیچ الا سایه‌یی لغزان و بازی‌های بازی پیشه‌یی نادان که بازد چندگاهی پرخروش و جوش نقشی اندرین میدان و آن‌گه هیچ! زنده گی افسانه‌یی ست کز لب شوریده مغزی گفته آید سر به سر خشم و خروش و غرش و غوغا، لیک بی‌معنا!»

(مکبث، ترجمه داریوش آشوری، پرده پنجم، مجلس پنجم سطرهای ۲۸-۱۷)

شکسپیر دروغ‌گوست... او شاید بیش نیست... چه کسی می‌گوید او نمایشنامه‌نویس بزرگ جهان است... باورکردنی نیست، چرا که او حتا نمی‌توانست نام خویش را درست بنویسد، پس چه‌گونه می‌توانست... به راستی که مردم چه دزد و نابه‌کار شده‌اند...

از اواسط قرن ۱۹ میلادی ویلیام شکسپیر، متهم به کذب و دروغ شد. وی را روانه دادگاه کردند؛ دادگاهی که در آن نه متهم جایگاهی برای دفاع از خویش دارد و نه شاکی جایگاهی برای ادعا. پرونده هنوز باز است و خوشبختانه قاضی مصفف. قاضی کسی نیست جز ذهن هزاران هزار آشنای ادب نمایشنامه‌نویسی غرب.

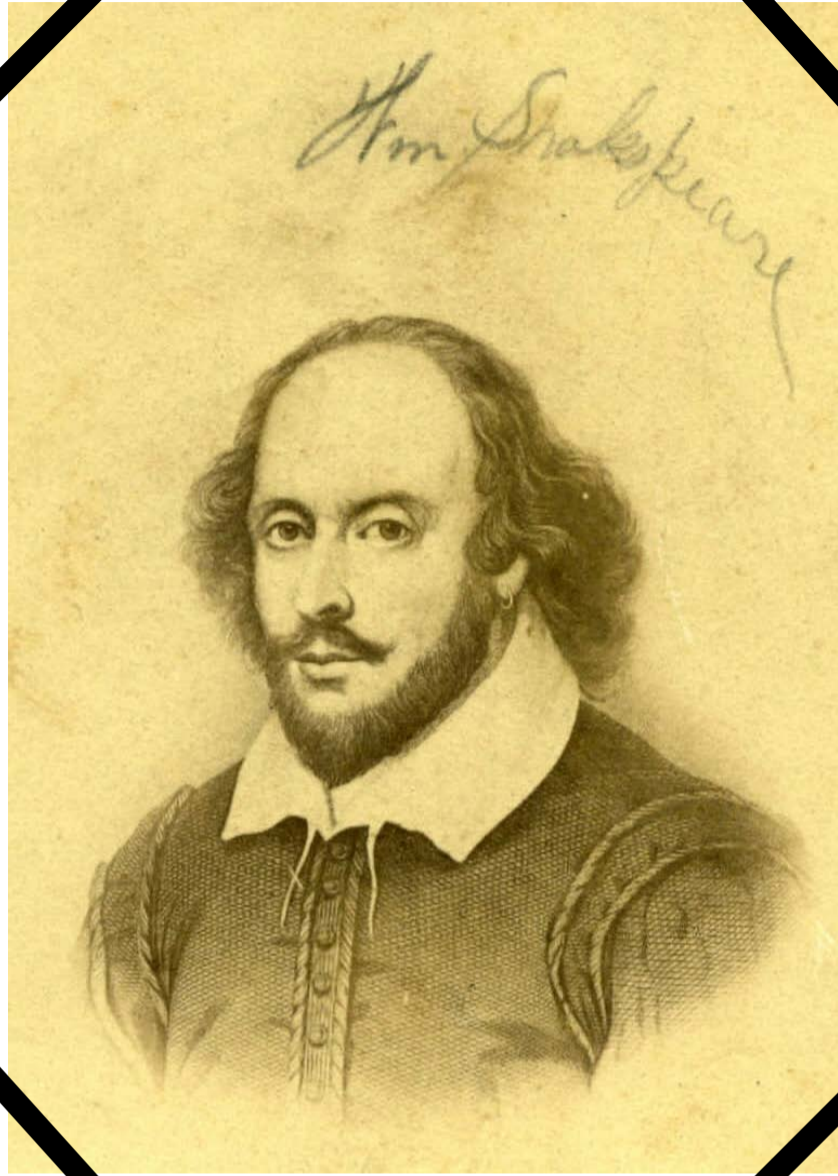
نخستین شخصی که دادستان به عنوان نویسنده نمایشنامه‌های شکسپیر به دادگاه فراخواند، سر فرانسیس بیکن (Sir Francis Bacon) است. به ظاهر، وکلای آقای بیکن آن‌قدر توانایی دفاع از موکل خویش را نداشته‌اند. سال‌ها بعد ادوارد دور (Edward De Vere) ۱ به دادگاه فراخوانده شد. ادوارد هفدهمین ارل آکسفورد، نجیب‌زاده‌یی از دربار ملکه انگلستان بود. ادوارد وکیل مجرب و کارکشته‌یی داشت. وی توماس لونی (Thomas Looney) ۲ (است. با آن‌که شاکیان بسیاری به دادگاه معرفی شده بودند، ولی پافشاری و سماجت توماس لونی باعث شد علی‌رغم گذشت ۸۳ سال از اولین دفاعش در کتاب خود ۳ پرونده دور باز بماند. البته وکلای ویلیام شکسپیر نیز آن‌قدر توانا هستند که هیچ‌گاه مغلوب ادعاهای لونی نشده‌اند.

طرفداران ادوارد دور، او را نویسنده نمایشنامه‌های شکسپیر می‌دانند. دور کاندیدای قدری برای نشستن بر مسند نویسنده‌گی نمایشنامه‌های ویلیام شکسپیر است. نخستین دلیل ایشان تحصیلات عالی و دانشگاهی ادوارد دور است. بر خلاف ویلیام شکسپیر، ادوارد دور از تحصیلات عالی بر خوردار بود. تحصیل کرده‌یی از دانشگاه کمبریج و آکسفورد. سیزده سال پیش نداشت که اساتیدش اعتراف کردند دانشی افزون بر آگاهی‌های ادوارد ندارند. حال آن‌که تحصیلات ویلیام، محدود به تحصیلات ابتدایی است. ایشان معتقدند که نگارش چنین نمایشنامه‌های پرمحتوایی، نیاز به تحصیلات عالی دارد.

ادوارد دور خارج از ادبیات در زمینه‌های پزشکی و حقوق نیز اطلاعات قابل توجهی داشت. قطعاتی از نمایشنامه‌های شکسپیر، مبین این مطلب است که نویسنده باید علاوه بر ادبیات، در زمینه حقوق و پزشکی نیز اطلاعات داشته باشد. ایشان بر این باورند که هملت بالقطع از سیستم گردش خون بدن آگاه بوده است. دور علاوه بر تسلط کامل بر ادبیات زبان انگلیسی، با زبان‌های فرانسه، ایتالیایی، هسپانیایی، آلمانی، لاتین و یونانی آشنا بود. اصطلاحات و لغات خارجی به کار رفته در نمایشنامه‌های شکسپیر نشان می‌دهد که نگارنده باید با آن زبان‌ها آشنا بوده باشد. دامنه سکونت ویلیام شکسپیر، محدود به انگلستان است و هیچ‌گاه به ایتالیا و ونیز و ورونا و قبرس سفری نداشته؛ حال آن‌که شکسپیر در نمایشنامه تاجر ونیزی از ایتالیا و یا در اتللو از قبرس صحبت به میان می‌آورد.

به واسطه کتابت کوتاهی که در این دادگاه داشتیم، نکاتی به مخیله ذهنم خطور می‌کند که شاید بیانش بی‌ربط نباشد. در مورد تحصیلات ابتدایی شکسپیر، ناخودآگاه حافظ شیرازی را به یاد می‌آورم. لسان‌الغیب مگر به چه مقدار از تحصیلات زمانه برخوردار بود که توانست اشعاری بسراید که دیوانش را قرآن فارسی خوانند؟! دانشی که ویلیام برای نگارش نمایشنامه‌ها نیاز داشت، از نوع دانش مکتبی و دانشگاهی روزگار نبوده است، لذا تحصیلات دانشگاهی نیز در معرفت شکسپیر تأثیری نمی‌توانسته داشته باشد. جالب توجه است که اگر تصور شود هملت شکسپیر نوشته دور بوده، آن‌گاه آگاهی هملت از سیستم گردش خون بی‌معنا می‌شود؛ چرا که ویلیام هاروی، کاشف سیستم گردش خون سال‌ها بعد از نگارش هملت دور به دنیا آمد. کتب دستور زبان مدارس [مکاتب] ابتدایی عصر ویلیام، مملو از لغات و ترکیبات لاتین و فرانسه و ایتالیایی و ... بوده است، بنابراین آشنایی شکسپیر با چنین اصطلاحاتی، جای تعجب ندارد و کنجکاوی ویلیام جوان درباره کشورهای فرانسه و ایتالیا و... عادی است؛ حافظ شیرازی چه زمانی به هند رفته است که از حال روی هندی تا سمرقند و بخارا صحبت به میان می‌آورد؟! ۵

دفاعیه وکلای دور به این ساده‌گی‌ها پایان نمی‌پذیرد، ایشان دلایل زیر را مطرح می‌کنند؛ دلایلی که پاسخ به آن‌ها با توجه به اسناد و مدارک موجود، به ساده‌گی و راحتی دلایل گذشته نیست.



چه کسی را می‌توان جایگزین ویلیام شکسپیر کرد؟

دایی [ماما] ادوارد، ارتور گولدینگ، نخستین مترجم اثر *Metamorphoses* اوید است. نمایشنامه‌های ویلیام شکسپیر، الهامی از این شاعر حماسه‌سرا و اساطیری یونان است. این اثر در دسترس ادوارد دور بوده و احتمال دارد قسمت‌هایی از آن نیز توسط خود ادوارد از یونانی به انگلیسی برگردانده شده باشد. اما باید به‌خاطر داشت که شکسپیر نیز از آشنایان ادوارد بوده است، لذا دسترسی وی نیز به این اثر بعید نخواهد بود. هنری هوراد، عمو [کاکا]ی ادوارد بود؛ شخصی که شاید منشا اصلی سونات‌ها باشد. پدر ادوارد جان دور مالک شرکت بازیگری بود؛ همان شغلی که خود ادوارد مدت‌ها بدان اشتغال داشت. مادر ادوارد سه ماه پس از مرگ شوهر ازدواج کرد. ازدواج مجدد مادر ادوارد، شباهت بسیاری با ابتدای نمایشنامه هملت شکسپیر دارد؛ آن‌جایی که مادر هملت، گرتروید، تنها پس از مدتی کوتاه از مرگ شوهر، با شاه کلادیوس ازدواج می‌کند.

آرتور بروک شعری به سال ۱۵۶۲ می‌سراید که نامش تراژدی رومئو و ژولیت است، حال آن‌که ویلیام شکسپیر در سال ۱۵۶۴ چشم به جهان گشود و مطمئینم بروک به سال ۱۵۶۳ جهان را ترک گفت. شعر بروک، حامل مضامینی از نمایشنامه رومئو و ژولیت است.

ادوارد دور با آن سیسیل ازدواج کرد. ادوارد به‌خاطر نقشه‌یی که توسط پدر آن یعنی لرد برلیج طراحی شده بود، گمان کرد که آن به او خیانت کرده و فرزند نامشروعی به دنیا آورده است. ادوارد در مدت کوتاهی به اشتباه خود پی برد و آن در مدتی کوتاه دنیا را بدرود می‌گوید. درست شبیه ماجراییی که در اتللو شکسپیر اتفاق می‌افتد؛ جدای از این ماجرا، شخصیت لرد برلیج نیز شبیه شخصیت پولونیوس در هملت است. ادوارد صاحب سه دختر می‌شود. سونات‌ها و نمایشنامه‌هایی از شکسپیر به همسران این سه فرزند تقدیم شده است. ایشان ارل‌های Southampton،

سال‌ها پیش از نخستین اجراهای بسیاری از نمایشنامه‌های شکسپیر نظیر: شاه لیر، مکبث، آنتونی و کلئوپاترا، حکایت زمستان و هنری هشتم. با وجود این‌که اشخاص بسیاری نظیر مارک تواین و چارلی چاپلین به نویسنده بودن شکسپیر شک کرده‌اند، حاضر نیستیم بیش از این وقت خود را صرف پرونده‌یی کنیم که تا ابد ادامه خواهد داشت و فرصت خواندن چنین نمایشنامه‌های زیبایی را از دست دهیم. نمی‌دانم چرا به هنگام نگارش این مطالب، شکسپیر را چون کاسیوی ۶ نمایشنامه اتللو یافتیم و مدعیان را کاملاً به چشم یک یاگو ۷ دیدیم. احتمالاً شکسپیر نیز به مانند کاسیوی بیچاره‌یی ست که اسیر تله موش زمانه شده؟! کدامین گاه دیگر بار خواهد بودمان دیدار

به تندر کوب و رخس انداز و باران بار؟

بدان هنگام کاین آشوب بنشیند

شکست آید یکی را دیگری روی ظفر بیند ۸

شاید همین مطالب فوق‌گویای آن باشد که ما چون دسترسی به هیچ‌کدام از شخصیت‌های مذکور نداریم، نمی‌توانیم حقیقت را دریابیم؛ حقیقتی که شاید در تاریکی باشد و برای روشنی بخشیدن به آن، کبریت [گوگرد] باید بر افروخته شود که این بار نه شمع اتاق دزدمونا ۹ را جانی دوباره بخشد، که می‌بایست به فاصله زمانی چهارصد سال روشنایی داشته باشد.

در پی دانستش مباح، نازنین، که چون کرده شد بر آن آفرین گویی ۱۰

مهم آن نیست که چه کسی نمایشنامه‌ها را نوشته، مهم این است که زیبا، انسانی، ادبی و دوست‌داشتنی نوشته شده‌اند. به واقع چه کسی را می‌توان جایگزین ویلیام شکسپیر کرد؟ نه از آن جهت که وی را نویسنده نمایشنامه‌ها خوانند، بلکه از جهت محبوبیتی که به‌دست آورده است. شکسپیر پاره‌یی از انگلستان است. دیالوگ‌های نمایشنامه‌های مکبث، هملت، اتللو قسمتی از صحبت‌های روزانه مردم را تشکیل می‌دهد. حال این گفتارهای نغز را شکسپیر استراتفوردی به رشته تحریر در آورده باشد یا دور آکسفوردی، اهمیتی ندارد. در دنیای کنونی که در پرتگاهی‌ترین مناطق هم آثار این متهم به روی صحنه می‌رود، علاقه‌مندان به هنر نمایش اتللو، هملت، مکبث را دیگر با نام کارگردان آن‌ها می‌شناسند، نه به نام شکسپیر؛ چرا که آن‌ها بارها و بارها هملت شکسپیر را در قصر خوانده‌اند، ولی در صحنه آن را بر روی ویلچر دیده و یا چون حسابداری آن را شناخته‌اند. نمایشنامه‌های ویلیام شکسپیر از دو جهت برای خواننده پارسی‌زبان جذاب است؛ نخست صورت و دیگر مفهوم

صریح و آشکار. اصولاً یکی از دلایلی که شرق را به سمت ادب غرب و غرب را به سمت ادب شرق می‌کشاند، تفاوتی است که در سبک نگارش باختر و خاور وجود دارد. غرب شیفته صورت است. غربیان از

ماهرترین صورت‌گرایانند و شکسپیر نمونه بارز آن. حال آن‌که شرق را می‌توان دلبسته مفهوم دانست. شرق مفهوم را آن‌چنان در پشت حجاب‌های ادبی پنهان می‌سازد که فهم آن علاوه بر قوه درک ادبی بالا، به ذکاوت و هوش سرشاری نیازمند است. در صورتی که مخاطب ادب غرب عموم مردم‌اند. پنهان بودن مفهوم در شرق، زیبایی خاص خود را دارد که غربیان را به سمت خود جذب می‌کند. هنگامی که کلید فهم سیر مخفی شده را می‌یابیم، آن‌چنان شادمان می‌شویم که به قول سعدی، دامن‌مان از دست خواهد رفت.

شکسپیر آن‌چنان صورت را می‌آراید و مفهوم را آشکارا و رُک و ساده بیان می‌کند که خواننده را شیفته خویش می‌سازد. البته در این بین، شاعران و نویسندگان نیز وجود دارند که حد تعادل را حفظ کرده و به صورت و مفهوم به‌طور یک‌سان پرداخته‌اند که شاید نمونه کامل آن در شرق، حافظ باشد؛ چرا که اشعارش هم از نظر آراسته‌گی صورت و هم پنهان بودن مفهوم، شهره عام و خاص است. اما عمده آثار ادب غرب و شرق را می‌توان با دو مورد صورت و مفهوم از هم متمایز کرد. به راستی شکسپیر شکست خورده است یا آن‌که روی ظفر بر او نمایان شده؟! ۱۱

پانوشت:

۱- متولد ۲۲ اپریل ۱۶۰۴-۱۵۵۰

۱۹۴۴-۱۸۷۰-۲

Shakespeare Identified, as Edward De Vere, the 3rd with Earl of Oxford, 1920

۴- اشاره به ریختن زهر در گوش پدر هملت

۵- اگر آن ترک شیرازی به‌دست آرد دل ما را... به‌خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

۶- افسران اتللو، رو راست و درستکار

۷- پرچمدار اتللو، حیلگر، پست

۸- مکبث - پرده یکم - مجلس یکم

۹- همسر باوفا و درستکار اتللو

۱۰- مکبث - پرده سوم - مجلس دوم

گرفته شده از: و بلاگ خوش مزه

ادوارد دور به سال ۱۶۰۴ چشم از جهان فرو بست،

عبدالحمید مجاهد:

احمدشاه مسعود قهرمان ملی و قابل احترام است

ابوبکر صدیق

عبدالحمید مجاهد، مشاور شورای عالی صلح، به دلیل اظهارات ضد منافع ملی، از سمتش برکنار شده است. اظهارات او که در حمایت از طالبان و توهین به قهرمان ملی کشور قلم داد شده بود، انتقادهای زیادی را در میان سیاسیون، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برانگیخته بود. ارگ و برخی مقامات دولتی و نیز مردم واکنش‌های سختی در برابر اظهارات او داشته‌اند.

او اما یک شبه‌شب در صحبتی با آریانا نیوز به تصحیح سخنانش پرداخت و گفت که هیچ‌گاه به جناب احمدشاه مسعود بی‌احترامی نکرده است. او گفت که احمدشاه مسعود، قهرمان ملی کشور و قابل احترام همه است که جایگاه خاص خود را در میان مردم دارد.

او هم‌چنان به تصحیح سخنانش در مورد مقدس خواندن طالبان پرداخت گفت که منظورش این بوده است که گروه طالبان زمانی که از بندر سپین بولدک قندهار تا کابل رسیده بودند، نزد ما مقدس لقب داشتند اما پس از این که آنها وارد کابل شدند، اعمال افراطیت را در پیش گرفتند که برای مردم قابل قبول نبود. این عضو شورای عالی صلح افزود: سخنانش که در جریان یک نشست در مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان ابراز کرده است از طرف رسانه‌ها تحریف شده است.

این عضو برکنار شده شورای عالی صلح گفت که بحثی که گویا من در مورد احمدشاه مسعود داشتم، به سال ۲۰۰۲ در فرانسه بر می‌گردد که در حضور آقایان احمدضیا مسعود، محقق، اتمر و قانونی، در برابر پرسشی از احمدضیا مسعود که گفته بود طالبان بر بنیاد کلام فتوی علما عمل می‌کنند گفته بودم که جناب احمدشاه مسعود که در برابر داوود خان از پنجشیر حرکتش را راه انداخته بود، بر بنیاد کلام



فتوا حرکت کرد. او گفت که یاد آوری آن داستان، به یک هدف دیگر در سمنار صورت گرفت و قطعاً به هیچ عنوان قصد توهین به قهرمان ملی کشورم را نداشتم و به جهاد افغانستان افتخار می‌کنم.

اما، نظری پریانی، مدیر مسوول روزنامه ماندگار که در برابر این عضو شورای عالی صلح در بحث شرکت داشت گفت که اظهارات آقای مجاهد، از دو جهت مورد انتقاد است، یکی اینکه او طالبان را مقدس خواند در حالی که یک روز پیش آن، آن گروه هفتاد نفر را در کابل و قندهار توسط حمله‌های انتحاری و انفجاری شان کشتند. پریانی هم‌چنان گفت که استفاده از کلمه بغاوت در برابر شخصیت قهرمان ملی کشور، به هر هدف و هر بهانه و پنداشتی که

عبدالحمید مجاهد اخراج شد

چهار دهه گذشته از گروه طالبان در مقابل آمریکائیان به عنوان فرشته صلح یاد کرد و گفت که این گروه در دوران جهاد مردم علیه اشغالگران به وظیفه دینی و ملی خود عمل کرده اند.

وی همچنین برهان الدین ربانی رییس جمهوری پیشین و رییس فقید شورای عالی صلح را عامل نابسامانی افغانستان و احمد شاه مسعود را که در قوانین کشور به عنوان قهرمان ملی معرفی شده است، یاغی دانست. سخنان این عضو شورای عالی صلح افغانستان واکنش‌های تندی را به دنبال داشته و ریاست جمهوری افغانستان نیز روز گذشته با انتشار بیانیه‌ی نسبت به اظهارات وی واکنش نشان داد و تاکید کرد که این

اعلام ماتم ملی پس از یک هفته

حنای پس از عید ارگ

ریاست جمهوری افغانستان روزهای یکشنبه و دوشنبه هفته جاری را ماتم ملی در کشور اعلام کرده است. ارگ ریاست جمهوری ناوقت دیروز در خبرنامه‌ی گفته است که به هدف غم شریکی کشته شده‌های حوادث خونین سه شنبه هفته گذشته در کابل، قندهار و هلمند بیرق افغانستان در این دو روز در کشور و خارج از آن به حالت نیمه برافراشته درآورده می‌شود. در خبرنامه همچنان آمده که مراسم خاص اتحاد دعا به قربانیان این رویداد در ارگ، مساجد سراسر کشور و نماینده‌های افغانستان در سراسر جهان برگزار می‌گردد. در حملات کابل، قندهار، هلمند بیش از پنجاه تن

کشته و بیش از صد تن زخمی شدند. این اقدام ناهنگام ریاست جمهوری واکنش‌هایی را برانگیخته است.

برخی از فعالان سیاسی گفته‌اند که نزدیک به یک هفته از رویدادهای خونین کابل و قندهار گذشته است، اما ارگ تازه ماتم ملی اعلام می‌کند. پس از آن‌که پنج دیپلمات امارات در ولایت قندهار جان باخت، امارات متحده عربی سه روز عزای عمومی اعلام کرد.

اما در افغانستان نزدیک به ۸۰ تن در حوادث جداگانه در کابل، قندهار و هلمند جان باختند. اما هیچ صدایی از حکومت بر نیامد. پس از فشارهای عمومی، ارگ

رویداد معلوم نیست. یکی از باشندگان هسکه‌مینه گفته که شمار این استادان ۱۲ تن بوده است. به گفته او، این استادان حین اخذ امتحان از دانش‌آموزان مدرسه ربوده شده‌اند. عطالله خوگیانی، سخنگوی والی این ولایت نیز این رویداد را تأیید می‌کند، اما در این باره دیگر معلومات نمی‌دهد.

مقام‌های ننگرهار می‌گویند که داعش صبح دیروز چندین تن از استادان یک مدرسه دینی در ولسوالی هسکه‌مینه این ولایت را ربوده است.

سازولی، ولسوالی هسکه‌مینه می‌گوید، با این که نیروهای امنیتی زود متوجه ربودن این استادان شدند، اما با تلاش‌های زیاد موفق نشدند جلو نیروهای داعش را بگیرند. به گفته او، تاکنون انگیزه این

ولسی جرگه:

د امنیتی ارگانونه نه همغږي د مخالفينو حملې زياتې کړي



په دې وروستيو کې د پلازميني کابل په گډون په يو شمېر ولايتونو کې د وسله‌والو مخالفينو له‌خوا د حملو زياتېدلو د ولسي جرگې غړي اندېښمن کړي دي.

د دغې جرگې يو شمېر غړي چې د افغان امنيتي ارگانونو ترمنځ د لازمي همغږۍ نه شتون د دغو حملو د زياتېدو يو مهم لامل گڼي.

د افغانستان د ولسي جرگې د دفاعي کمېسيون يوې غړې سيمين بارکزی، د یکشنبې په ورځ په دې اړه ازادي راډيو ته وويل:

"د افغانستان دښمنان د هرې ورځې په تېرېدو سره پياوړی کېږي او د لازمي همغږۍ نشتون چې د امنيتي ارگانونو ترمنځ موجود دی، دوی نه‌شي کولای چې د دښمن حملې په خپل وخت شنلې کړي او دا د دې لامل کېږي چې په خواشينۍ سره موږ هره ورځ خپل وطن‌وال له لاسه ورکړو او هره ورځ د تروريستي حملو شاهدان ووسو."

دا خبرې په داسې حال کې مطرح کېږي چې وسله‌والو مخالفينو په دې وروستيو کې خپلو حملو ته زور ورکړی. د سې شنبې په ورځ هلمند، کابل او قندهار د انتحاري حملو او چاودنو شاهدان و چې د افغان چارواکو د معلوماتو له مخې په دې حملو کې څه باندې ۵۰ ته وژل شوي او له سلو ډېر تپيان دي.

په دغو حملو کې د قندهار پېښه بې سارې وه چې د متحده عربي اماراتو ديپلوماتان او ولايتي چارواکي يې د ولايت په مقام کې هدف وگرځول.

د کابل انتحاري حملو هم د ملي شورا د ځينو ساتونکو او ملکي کارکوونکو په شمول ۳۸ کسان وژلي او ۹۷ نور يې تپيان کړي دي.

په ورته وخت کې بيا د امنيتي چارو يو شمېر کارپوهان د يو شمېر نورو لاملونو يادونه هم کوي.

د چارو کارپوه عتيق الله امرخېل په اميتي او دفاعي قوتونو کې کمزوري رهبري او د يوه منظم پلان نشتون د وسله‌والو مخالفينو له‌خوا دا شان حملو د زياتېدو اساسي لامل گڼي.

ښاغلي امرخېل زياته کړه: "په کابل کې په دې وروستيو کې ورته حملې شوي دي خو امنيتي ځواکونه پرته له دې چې يو نظم مراعت کړي دغې پېښو ته به يې دانگل چې دا دې به ډېر تلفات واول، دا له دې معلومېږي چې يوه ښه رهبري موږ په امنيتي ارگانونو کې نه‌لرو او نه هم د دا ډول پېښو د مخنيوي لپاره يو منظم پلان شته."

د امنيتي چارو دغه کارپوهان دغه شان وايي چې په امنيتي ارگانونو کې د اړیکو پر بنسټ گمارني هم د دې لامل شوي چې قوانين پلي نه‌شي او وسله‌وال مخالفين د افغان ځواکونو په لیکو کې نفوذ وکړي.

خو د افغانستان د کورنيو چارو وزارت وايي، افغان ځواکونه پوره همغږي لري او تر ډېره توانيدلي چې د يوه منظم پلان له مخې د وسله‌والو مخالفينو د حملو مخه ونيسي او په دې برخه کې له خپلو ټولو امکاناتو کار اخلي.

د دغه وزارت وياند صديق صديقي د یکشنبې په ورځ په دې اړه ازادي راډيو ته وويل:

"د ډېرو حملو مخنيوی شوی، پوره همغږي موجوده ده خو په خواشينۍ سره چې د کابل ښار وروستی حملې له بهره پلان شوي وو خو په مجموع کې افغان ځواکونه توانيدلي چې د ډېرو حملو مخه ونيسي."

نوموړي همدارنگه له عامو خلکو هم وغوښتل چې د وسله‌والو مخالفينو د حملو مخنيوي کې له افغان ځواکونو سره مرسته وکړي.

خو افغان کار پوه عتيق الله امرخېل وايي، تر کومه چې په افغان امنيتي ادارو کې د وسله‌والو مخالفينو د دا ډول حملو د شنډولو په هدف منظم پلانونه جوړ نه‌شي د ورته حملو د تکرار مخنيوی به گران وي.

موضوع را بررسی می‌کند و اقدام قانونی علیه آن صورت خواهد داد.

ریاست جمهوری افغانستان افزود که دولت، ضمن احترام و داشتن تعهد قوی به اصل آزادی بیان، به هیچ فردی اجازه نمی‌دهد که با استفاده از آزادی بیان، قاتلان مردم به خصوص زنان و کودکان و نیز تخریب کنندگان اماکن مقدس و عام‌المنفعه را فرشتگان صلح خطاب کند.

عطا محمد نور والی بلخ و رییس اجرائی جمعیت اسلامی افغانستان نیز روز شنبه در صفحه اجتماعی خود خواستار بازداشت عبدالحمید مجاهد شد.

پیشتر اظهارات پیرسید احمد گیلانی رییس شورای عالی صلح نیز در محافل سیاسی افغانستان جنجال برانگیز شده بود و شماری از شخصیت‌ها و چهره‌های سیاسی افغانستان، وی را متهم به حمایت آشکار از طالبان کرده بودند.

امروز و دیروز را ماتم ملی اعلام کرد که به حنای پس از عید می‌ماند.

فواد پویا، آگاه حقوقی با انتقاد از متن حکم ریاست جمهوری می‌گوید که باید نکات مسلكی-حقوقی در احکام رییس جمهور، مورد توجه و مذاقه همکاران نزدیک رییس جمهوری قرار گیرد.

او به خلاهای حقوقی حکم ریاست جمهوری اشاره کرده و می‌نویسد: در مورد این حکم چند مسئله قابل درنگ است:

- (۱) این حکم در پایان روز ۲۶ ابلاغ گردید. در حالی که روز ۲۶م را در بر نمی‌گیرد.
- (۲) این حکم در نماینده‌گی‌های سیاسی افغانستان در خارج کشور قابل اجرا نیست، چون روز یکشنبه در بیشتر نقاط دنیا، روز اخیر هفته است و رخصتی است.
- (۳) همچنین، ریاست هیأت را در بخش نخست این حکم، وزیر خارجه به عهده دارد. اما، در اخیر حکم، مسوولیت تطبیق حکم به دوش دفتر شورای امنیت گذاشته شده است. اگر منظور دو بخشی از هم سوا اند، باید به گونه واضح در حکم ذکر گردد.

ربودن استادان یک مدرسه ننگرهار توسط داعش



رویداد معلوم نیست. یکی از باشندگان هسکه‌مینه گفته که شمار این استادان ۱۲ تن بوده است. به گفته او، این استادان حین اخذ امتحان از دانش‌آموزان مدرسه ربوده شده‌اند. عطالله خوگیانی، سخنگوی والی این ولایت نیز این رویداد را تأیید می‌کند، اما در این باره دیگر معلومات نمی‌دهد.

مقام‌های ننگرهار می‌گویند که داعش صبح دیروز چندین تن از استادان یک مدرسه دینی در ولسوالی هسکه‌مینه این ولایت را ربوده است.

سازولی، ولسوالی هسکه‌مینه می‌گوید، با این که نیروهای امنیتی زود متوجه ربودن این استادان شدند، اما با تلاش‌های زیاد موفق نشدند جلو نیروهای داعش را بگیرند. به گفته او، تاکنون انگیزه این

فیسبوک نامه

سخن داد فاتف



ارگ بیانیه می‌دهد و می‌گوید که با سخنان تروریست‌نوازانه عبدالحکیم مجاهد موافق نیست. از سوی دیگر، این جناب عضو شورای عالی صلح است و در آن شورا مقام مهمی دارد. پ. حال، سوال این است: آیا رییس‌جمهور و کارگردانان ارگ پیش از این اطلاع نداشتند که آقای مجاهد چه نظر و موضعی نسبت به طالبان دارد؟ به نظر می‌رسد که ارگ با اصل حمایت این جناب از طالبان مشکلی ندارد (وگرنه، او را به آن مقام در شورای صلح نمی‌گماشت). ناراحتی ارگ از این است که چرا جناب مجاهد اسرار هویدا می‌کند و ناگفتنی‌ها را می‌گوید. به بیانی دیگر، خود همدلی با طالبان نیست که ارگ را به خشم آورده. چیز دیگری است: این که چرا این همدلی در زبان آقای مجاهد این چنین عریان بیان شده. یعنی حمایت بکن، چار نزن کاکا.

روح‌الامین امینی



جغرافیای عجیبی داریم، جایی که در آن آمدن نام «خراسان» در یک ترانه، لریزه بر پیکر عده‌یی می‌افکند و ادعا می‌کنند که این ترانه دعوی تجزیه‌طلبی دارد. سخنی مضحک‌تر از این نیست که وقتی آمدن نامی بر زبان آوازخوانی و بر قلم ترانه‌سرای این قدر حساسیت در این جغرافیا دارد که آن را تجزیه‌طلبی بخوانیم و ندانیم کسی که با اشاره به واژه‌یی «خراسان» در تاریخ خود این قدر مورد هجوم و حمله قرار می‌گیرد، حتا نای نفس کشیدن ندارد، چه برسد به تجزیه‌طلبی. او به دنبال روزنه‌یی برای تنفس، به دنبال جایی برای زیستن و به دنبال چنگ‌زدن به چیزی است که حداقل مانع انتحار شود، واژه‌یی که دست‌کم در پانزده سال گذشته در دو سوی خود قربانیان زیادی را به خاک و خون کشیده است. نام کوچکی - انتحاری - که در ابتدای نام هر که در این جغرافیا نفس می‌کشد، خواسته و ناخواسته نشسته است، چرا که زیستن در این جغرافیا، مقدمه مرگ است و کسی که مقدمات مرگش را با ماندن منفعلانه خود فراهم می‌کند، انتحاری دیگری است با ابزاری دیگر.

بمب این جغرافیا نمی‌تواند محصول «خشک مغزی و تعصب خامی است/ تا جینی کار خون آشامی است» مولانا باشد و یا «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت با دشمنان مدارا» از حافظ، که به تفأل این بیت را از او انتخاب کرده‌ام، نه به تجسس و سرشار است از این آموزه‌ها. برای جست‌وجوی انباری که بمب این جغرافیا از باروت آن ساخته شده نمی‌توانیم خیلی دور برویم و بی‌راه نرویم. اما نکته جالب این‌جا است، هر که به دنبال این ریشه نه چندان عمیق، اما سرطانی بگردد، با نام تجزیه‌طلب و جاسوس و نفاق‌افکن یا هزار انگ و تهمت و افترا دیگر به باد دشنام و ژاژخانی گرفته می‌شود.

جغرافیای عجیبی داریم که بر زبان آوردن نامی که روزگاری بخش بزرگ و مهمی از این جغرافیا را در بر می‌گرفت، امروز به بهانه‌هایی واهی و گمراه کننده، مستوجب شنیدن دشنام است. اهمیت همه این بحث به قوت خود باقی است، اما آمدن نام خراسان در یک ترانه، نه از سوی عوام‌الناس که از سوی دانش‌آموختگان این خراب‌شده کشور سبب می‌شود که شمشریو دم‌شان را به جان شعر و هنر این سرزمین از نیام بر کشند و به این بهانه، کاسه و کوزه عالم و آدم را بر سر شعر بشکنند و این بحث پایش را تا جایی دراز کند که بزرگواری از بزرگواران و وظیفه شعر را فقط گریاندن و خندانند بدانند و مثلاً نقش شاهنامه را به عنوان محمل بخش بزرگی از فرهنگ این جغرافیا نادیده بگیرد و خیام را یکی از شوخی‌های کوچک تاریخ بدانند که می‌توان به ساده‌گی با گذاشتن انگشت روی کلید "ه" هههههه به ریشش خندید.

سید آقا حسین سانچاری



رعایت پرنسیپهای قانونی، اخلاقی و مدنی ضروری است. قانون اساسی افغانستان از جهاد و مقاومت افغانستان تمجید کرده است، قانون رسانه‌های همه‌گانی هنر و نوع تبلیغ خشونت، دامن‌زدن به حساسیت‌های قومی، زبانی و مذهبی را ممنوع قرار داده است. نفرت‌پراکنی، هتک‌حرمت، اهانت به ارزش‌های دین مقدس اسلام، توهین به نمادهای ملی، پرده‌داری و ورود به حریم خصوصی افراد، جرم تلقی شده است. هنر و نوع برخوردی که با مرتکبین این اعمال صورت می‌گیرد، باید در چهارچوب قانون، پرنسیپ‌های اخلاقی و مدنی باشد. هنر و نوع زیاده‌روی و درخواست‌های فراقانونی و عبور از خط قرمزها از هر جانب که باشد، نکوهیده است.

مفتی عربستان:

سینما و کنسرت ضرر و فساد است

مفتی اعظم عربستان در اظهاراتی عجیب به جنجال اخیر در این کشور در مورد مجوز برگزاری کنسرت‌ها و سینما پایان داده و این دو اقدام را "حرام" خواند. او گفت در این تفریحات "مفسده‌یی برای اخلاق و ارزش‌ها وجود دارد!"

عبدالعزیز بن عبدالله آل‌شیخ، مفتی اعظم عربستان و رییس هیأت علمای ارشد و کمیته دایم صدور فتوا در عربستان که به صدور فتوای عجیب مشهور است، به اظهارات هیأت "تفریح و سرگرمی" این کشور درباره بررسی صدور مجوز برای برگزاری کنسرت‌ها و ایجاد سینماها به شدت واکنش نشان داد.

او در این باره هشدار داد: "برگزاری کنسرت و دایر کردن سینما هیچ سود و منفعتی ندارد، بلکه در آن‌ها ضرر و فساد نهفته است و این‌گونه فعالیت‌ها مفسده‌یی برای ارزش‌های اخلاقی است و به مختلط‌شدن زن و مرد می‌انجامد!"

آل‌شیخ در برنامه هفته‌گی‌اش که در شبکه ماهواره‌یی "المجد" پخش می‌شود، گفت: "امیدوارم که همه‌گان توفیق خیر را داشته باشند. همه ما می‌دانیم که کنسرت‌ها و سینما فساد است. سینما ممکن است فلم‌های غیراخلاقی و دارای مفاهیم «فسادی و کفرآمیز» را پخش کند. سینما متکی به فلم‌هایی است که از خارج می‌آید تا فرهنگ ما را تغییر دهد."

مفتی عربستان تأکید کرد: "هیچ خیری در کنسرت‌ها نهفته نیست، چراکه سرگرمی با آهنگ‌ها در صبح و شب و بازشدن سالن‌های سینما در هر زمان ایجاب می‌کند که زن و مرد با هم مختلط شوند. اول گفته می‌شود که مکانی برای زنان اختصاص یابد و سپس زن و مرد در مکانی واحد قرار می‌گیرند و تمامی این‌ها مفسده‌یی برای اخلاق و از بین‌برنده ارزش‌ها است."

او به این امر اشاره کرد که سرگرمی با کانال‌ها و ابزارهای فرهنگی و علمی که مشکلی ندارند، خوب است.

مفتی عربستان گفت: "خداوند به مسوولان هیأت سرگرمی توفیق دهد تا از بدی به خوبی بگریند و درها را به روی شر باز نکنند و عربستان از هر بدی حفظ شود و خداوند به ما برای هر چه که دوست دارد و راضی به آن است، توفیق دهد."

پیشتر هیأت تفریح و سرگرمی عربستان فهرست بلند بالایی را از تفریحات برای سال نو آماده کرده بود که این فعالیت‌ها محدود به فعالیت‌های دینی نخواهد بود و طبق نوشته روزنامه‌های محلی، کنسرت‌هایی در استان جدّه، در نزدیکی مکه برگزار خواهد شد؛ اقدامی که به خشم برخی شخصیت‌های برجسته تندرو در عربستان که در کنار رهبری سیاسی اداره کشور را عهده‌دار هستند می‌انجامد.

پیشتر نیز عبدالعزیز آل‌شیخ، مفتی عربستان در برنامه هفته‌گی خود در شبکه ماهواره‌یی المجد از هیأت سرگرمی و تفریح خواست تا پرونده ساخت سینما و برگزاری کنسرت‌ها در عربستان را با درایت و آرامش بررسی کند. او بر لزوم برگزاری برنامه‌ها و فعالیت‌ها با در نظر گرفتن منافع امت اسلامی تأکید کرد.

گذشته از این، مجله فارن افرز پیشتر به نقل از یکی از محققانی که ماه میلادی گذشته با محمد بن سلمان، جانشین ولیعهد و وزیر دفاع عربستان دیدار کردند، نوشت که این شاهزاده سعودی به آن‌ها گفته در صورتی که هریک از علمای دینی در واکنش به طرح‌هایی اصلاحاتی، به خشونت تحریک کنند یا خود دست به خشونت بزنند، اقدامات برای مجازات آن‌ها مد نظر قرار خواهد گرفت.

مجله مذکور نوشت، محمد بن سلمان گفته است که معتقد است که فقط اندکی از علمای دینی عربستان رکود فکری دارند و این در حالی است که بیش از نیمی از علمای دینی را می‌توان برای حمایت از اصلاحات از طریق گفت‌وگو قانع کرد.

فارن افرز از او نقل کرد که سایر علمای دینی تردید دارند یا در وضعیتی نیستند که به آن‌ها اجازه داده شود تا مشکلاتی ایجاد کنند.

بزرگ‌ترین رقابت تینس «آزاد آسترالیا» امروز برگزار می‌گردد



۱۰۵مین دور رقابت‌های بزرگ تینس «آزاد آسترالیا» امروز دوشنبه با میزبانی این کشور میان بهترین تینس‌بازان مرد و زن در باشگاه ورزشی شهر ملبورن آسترالیا آغاز می‌گردد و به تاریخ ۲۹ جنوری سال جاری پس از اعلام برنده این رقابت‌ها پایان می‌یابد.

برگزار کننده‌گان این رقابت‌ها گفته‌اند که در مرحله نخست رقابت‌های «گرنداسلم» نزدیک به ۵۰ میلیون دالر برای بازیکنان در نظر گرفته شده که برای برنده مقام نخست ۲،۲۴ میلیون پوند و برای بازنده‌گان این رقابت‌ها ۳۰ هزار پوند در نظر گرفته شده است.

قرار است که در رقابت‌های تینس «آزاد آسترالیا» ورزش‌کاران در ۱۷ بخش به هدف رسیدن به مقام نخست رقابت کنند که در بخش مردان، نواک جاکویک سربی و در بخش زنان، کیربرر آلمانی از عنوان قهرمانی‌شان دفاع می‌کنند.

رقابت‌های تینس «آزاد آسترالیا» برای نخستین‌بار در سال ۱۹۰۵ با میزبانی آسترالیا آغاز شد که از سال ۱۹۷۲ به این سو با میزبانی این کشور در شهر ملبورن برگزار می‌گردد.

افغانستان در رقابت کرکت آیرلند را شکست داد

تیم کرکت افغانستان در نخستین رقابت ۲۰ آورده کرکت در امارات متحده عرب، توانست تیم ملی آیرلند را با ۶ وکت شکست دهد. این رقابت که از سلسله مسابقات جام صحرا در امارات برگزار شده، هشت تیم رده دوم شورای بین‌المللی کرکت شرکت دارد که شامل افغانستان، امارات متحده عرب، آیرلند و نمیبیا در گروه الف و تیم‌های هانک گانگ، سکاتلند، هالند و عمان در گروه بی حضور دارند.

تیم آیرلند که شیر و خط را برد و تصمیم گرفت نخست به میدان رفته بیتنگ کند، در ۲۰ آور با از دست‌دادن ۶ بازیکن به کسب ۱۲۵ دوش موفق شد. خط بیتنگ افغانستان در این رقابت، هدف تعیین شده را با از دست‌دادن ۵ بازیکن، در ۱۸.۵ آور پوره کرد.

در میان بازیکنان خط بیتنگ افغانستان، نجیب ترکی ۳۱ دوش کسب کرد، محمد شهزاد ۲۹، محمد نبی ۲۶ و نجیب زدران با کسب ۱۱ دوش، هدف تعیین شده تیم آیرلند را پوره کردند. محمد نبی و نجیب‌الله زدران دو بازیکن افغان بودند که در پوره کردن این هدف تا اخیر در میدان حضور داشتند.

در میان بالرهای تیم کرکت افغانستان، امیر حمزه، محمد نبی و راشد خان هر کدام توانستند در دو بازیکن آیرلند را از میدان خارج سازند. خط بیتنگ تیم آیرلند با وجودی که نخست به میدان رفت و بیتنگ کرد، نتوانست هدف بزرگ و دشواری را به افغانستان تعیین کند.

سترلنگ، بازیکن تیم آیرلند به کسب ۲۵ دوش موفق شد، ویلسن ۲۳ دوش و پویتر توانست ۱۸ دوش کسب کند.

محمد نبی عیساخیل، بازیکن کارکشته تیم کرکت افغانستان به خاطر کارکردگی چشم‌گیرش در عرصه بیتنگ و بالنگ، لقب بهترین بازیکن این رقابت را به خود اختصاص داد.

هواداران تیم کرکت افغانستان برای تشویق در میدان امارات متحده حضور به هم رسانیدند. قبل از رقابت افغانستان با آیرلند، تیم‌های کرکت سکاتلند و هانگ کانگ به مصاف هم رفتند که در آن سکاتلند، تیم هانگ کانگ را با تفاوت ۲۴ دوش شکست داد.

تیم سکاتلند نخست به میدان رفت و در ۲۰ آور با از دست‌دادن ۳ بازیکن هدف ۱۹۰ دوش را به هانگ کانگ تعیین کرد. هانگ کانگی‌ها نتوانستند این هدف را پوره کنند و در ۲۰ آور با از دست‌دادن ۶ بازیکن تنها به کسب ۱۶۵ دوش موفق شدند.

رقابت بعدی افغانستان در این جام به تاریخ ۱۶ جنوری در برابر امارات متحده عرب خواهد بود. این رقابت‌ها تا ۲۰ جنوری جریان دارد و دو تیم برتر در آن روز برای کسب لقب قهرمانی این جام به مصاف هم خواهند رفت.

Mandegar

تیم ترامپ برای جنگی نظامی با چین آماده می‌شود؟



تیلرسون در بخشی از اظهاراتش عنوان کرد: شما قرار است به چین پیامی روشن بدهید که ساخت جزایر را در دریای چین جنوبی متوقف کند و پس از آن دسترسی چین به این جزایر دیگر ممکن نخواهد بود.

نوشته روزنامه گلوبال تایمز پس از آن منتشر شد که در یک روزنامه چینی دیگر که در آمریکا منتشر می‌شود نوشته‌های منتشر شده بود که شدیداً از تیلرسون انتقاد و وی را به دشمنی آشکار در قبال چین متهم می‌کرد.

در این نوشته آمده بود: تا جایی که شاهد بوده‌ایم قرار است دوره‌ای از تقابل‌های ویرانگر را میان چین و آمریکا ببینیم. با این همه آمریکا چگونه می‌تواند دسترسی چین به مناطق خودش را ممنوع کند در حالی که واکنش مشروع و دفاعی پس از آن را بر نمی‌تابد؟

با این حال برخی معتقدند که تیلرسون در این سخنرانی اخیر خود دچار اشتباه شده است.

یکی از تحلیلگران موسسه مطالعات استراتژیک می‌گوید: مسدود کردن دسترسی چین به جزایر مصنوعی‌اش می‌تواند یک جنگ مسلحانه را به راه بیندازد. مارک فیتز پاتریک، معتقد است که احتمالاً تیلرسون همچنین منظوری را نداشته است و پاسخ رسمی و نه چندین سخن دولت چین این فرصت را به او داده تا درصدد اصلاح سخنان خود برآید. با این حال اما نامزد ترامپ برای وزارت دفاع نیز در جلسه تاییده خود اقدامات نظامی چین در دریای چین جنوبی را تهدیدی برای نظم جهانی خواند.

جنرال جیمز ماتیس، وزیر دفاع دولت ترامپ در پاسخ به سوالی درباره اظهارات اخیر تیلرسون تاکید کرد که آمریکا به یک رویکرد دولتی یکپارچه نیاز دارد تا از استراتژی‌های ناهماهنگ یا ناقص جلوگیری کند اما وی بر اهمیت آزادی تبادلات و پرورش متحدان آمریکا در منطقه جنوب شرق آسیا تاکید و عنوان کرد: مساله اصلی این است که آب‌های بین‌المللی هستند و ما باید درباره چگونگی برخورد با این مساله براساس قوانینی که طی سال‌ها برای رفاه تمامی کشورها و نه فقط ما ایجاد شده‌اند، تصمیم‌گیری کنیم.

تا بتواند از حق گشت زنی آزادانه در دریای چین جنوبی به نحوی دفاع کند. این گشت‌زنی‌ها موجب خشم پکن شد و اخیراً ناوهای جنگی چینی یک زیردریایی بدون سرنشین متعلق به نیروهای دریایی آمریکا را تحت کنترل خود درآورده بود.

در حال حاضر تلاش برای مسدود کردن جزایر مصنوعی چینی در این دریا گامی مهم محسوب می‌شود که واشنگتن هرگز از آن به عنوان یک گزینه یاد نکرده بود.

در ادامه سرمقاله روزنامه گلوبال تایمز آمده است: آمریکا هیچ قدرت برجسته‌ای برای تسلط بر دریای چین جنوبی ندارد. تیلرسون بهتر است که بر روی استراتژی‌های قدرت هسته‌ای کار کند اگر که می‌خواهد یک قدرت هسته‌ای بزرگ را از مناطق تحت کنترل خود خارج کند.

در ادامه این هشدار آمده است: اگر تیم دیپلماتیک ترامپ قصد دارند آینده روابط چین و آمریکا را این چنین شکل دهند بهتر است که هر دو طرف برای یک درگیری نظامی آماده شوند.

در ادامه این سرمقاله با اشاره به توانمندی‌های چین تاکید شده است: چین اراده و قدرت کافی را دارد تا اطمینان یابد سیاست تحریک آمیز ترامپ و تیلرسون موفق نخواهد شد، مگر اینکه واشنگتن قصد داشته باشد در دریای چین جنوبی یک جنگ تمام عیار به راه بیندازد. هرگونه رویکرد دیگری برای جلوگیری از دسترسی چین به جزایر مذکور در دریای چین جنوبی احمقانه خواهد بود.

در بخش دیگری از این سرمقاله ابراز امیدواری شده است که تیلرسون همکاری سازنده‌تری را با چین انتخاب کند و سخنان سنگین اخیرش تنها تلاشی برای به دست آوردن دل کمیته روابط خارجه سنا بوده باشد.

تیلرسون در سخنرانی تایید خود پکن را متهم کرد که ادعا می‌کند بخش‌هایی را که قانوناً برای این کشور نیست، در اختیار خود دارد.

وی همچنین ساخت جزایر مصنوعی از سوی پکن در دریای چین جنوبی را با الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ مقایسه کرد؛ اقدامی که منجر به اعمال تحریم‌های شدید از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه مسکو شد.

یکی از روزنامه‌های دولتی چین هشدار داده است که آمریکا برای یک درگیری نظامی با چین آماده می‌شود.

نشریه ایندپندنت طی گزارشی به تحلیل سخنان اخیر نامزد وزارت خارجه آمریکا و گزارش یک روزنامه چینی پس از آن پرداخته و آورده است: کمتر از ۲۴ ساعت پس از آنکه رکس تیلرسون، نامزد دونالد ترامپ برای وزارت خارجه آمریکا درباره مسدود کردن جزایر دریای چین جنوبی سخن گفت سرمقاله‌ای بسیار کوبنده در روزنامه گلوبال تایمز چین منتشر شد که در آن رئیس سابق شرکت آکسون موبیل را به انجام اقدامات تحریک آمیز متهم کرد.

در این روزنامه که سرمقاله‌های آن به انتقادگرایی و روشن‌گری شهره هستند، آمده است: تیلرسون بهتر است که استراتژی‌های اتمی خود را قدرتمندتر سازد اگر که می‌خواهد یک قدرت هسته‌ای را از مناطق تحت کنترلش بیرون کند.

با این حال با وجود اینکه روزنامه دولتی محسوب می‌شود ضرورتاً سیاست‌های دولتی بازنشر نمی‌کند.

پیش از این وزیر امور خارجه چین در اولین واکنش خود نسبت به نظرات تیلرسون بر ضرورت احترام و همکاری متقابل با آمریکا تاکید کرده بود.

لوکان لو، سخنگوی وزارت خارجه چین در کنفرانس خبری خود با اشاره به این روابط عنوان کرده بود: روابط میان دو کشور آمریکا و چین براساس عدم تقابل، عدم درگیری، منافع دوجانبه و همکاری‌های برد-برد پایه گذاری شده است.

دریای غنی چین جنوبی که سالانه محل تردد تجارتنی معادل ۵ تریلیون دلار است همواره یکی از منابع تنش و درگیری در منطقه بوده است.

با وجود ادعاهای برخی کشورها از جمله فیلیپین و ویتنام درباره مالکیت بخشی از این دریا چین تاکنون هفت جزیره مصنوعی را بر تپه‌های این دریا ساخته و به نظر می‌رسد که آنها را به فرودگاه‌های نظامی و سلاح‌های ضد هوایی مجهز کرده است.

دولت باراک اوباما در دوران خدمتش گشت زنی‌های دریایی و هوایی دورهای را در این دریا انجام می‌داد

تلاش‌ها برای ترویج وقفه‌دهی بین ولادت‌ها

وزارت صحت عامه برنامه مشترکی را با سایر نهادهای دولتی آغاز کرده است تا فاصله دهی بین ولادت‌ها را بین مردم ترویج کند. این وزارت می‌گوید ولادت‌های پیهم، یکی از دلایل اصلی مرگ و میر مادران و نوزادان است.

فعالیت‌ها و آگاهی دهی در مورد تنظیم خانواده و وقفه دهی بین ولادت‌ها در چهارده سال اخیر بیشتر در کابل و شهرهای بزرگ به صورت محدود تبلیغ شده است. برخی از نهادهای غیردولتی هشدار داده اند در صورتی که افغانستان نتواند وقفه بین ولادت‌ها و تنظیم خانواده را در بین مردم ترویج کند، این کشور ممکن است در دهه‌های پیش رو با افزایش بی رویه جمعیت روبرو شود که نتیجه آن فقر و کمبود منابع غذایی است.

به گزارش دویچه وله، اما حالا وزارت صحت عامه به همکاری چند نهاد دیگر دولتی تلاش دارد تا به این مساله مهم تمرکز کند. داکتر احمد جان نعیم معین وزارت صحت عامه روز یکشنبه در نشستی در کابل گفت: «باوجود دست‌آوردهایی که ما در کاهش مرگ و میر داریم، افغانستان هنوز هم از جمله کشورهای است که بیشترین میزان مرگ و میر مادران و کودکان دارد. در هر دو ساعت یک مادر به دلیل ولادت و یا اختلالات مربوط به ولادت جان خود را در افغانستان از دست می‌دهند.»

براساس آمار وزارت صحت عامه مراقبت‌های پیش از بارداری در سال‌های گذشته ۹ درصد بود، حالا به بیش از ۴۸ درصد رسیده است. مقام‌ها در این وزارت گفتند که ۴۸ درصد تولدات در افغانستان توسط افراد مسلکی صورت می‌گیرد در حالی که در گذشته تنها ۱۴ درصد زنان در هنگام ولادت به قابل‌ها دسترسی داشتند.

نقش وزارت اطلاعات و فرهنگ

مقام‌ها در وزارت صحت عامه گفتند که ترویج فرهنگ فاصله دهی بین ولادت‌ها از توان این وزارت خارج است و نهادهای مختلف دولتی باید در این زمینه سهم بگیرند.

وزارت اطلاعات فرهنگ وعده داد که با نشر تبلیغات و مطالب صحی در رسانه‌ها تلاش می‌کند تا مردم را به فاصله دهی بین ولادت‌ها تشویق کند. داد محمد عنابی نماینده وزارت اطلاعات و فرهنگ در این نشست گفت: «آنچه که وزارت اطلاعات و فرهنگ می‌تواند همکاری کند، تبلیغ، ترویج و اشاعه این مساله در بین مردم است و با این شیوه ما می‌توانیم زودتر به هدف

